

بررسی دسته‌بندی، ساختار هدایتی و غرض سوره قیامت

محمود شکوهی تبار*

محمود رجبی**

چکیده

این تحقیق به دنبال معرفی گام‌هایی برای کشف مستدل ساختار، سیر هدایتی و غرض سوره‌های قرآن کریم و تطبیق این گام‌ها در تفسیر سوره قیامت است. بر پایه یافته‌های این پژوهش، هدف مذکور در پنج گام قابل دستیابی است: دسته‌بندی اولیه آیات، عنوان‌گذاری اولیه دسته‌ها، سنجش ارتباط بین دسته‌ها و سیاق‌بندی، انتخاب عنوان مناسب برای سیاق‌ها، سنجش ارتباط بین سیاق‌ها و انتخاب عنوانی متناسب برای کل سوره. با اجرای این گام‌ها در تفسیر سوره قیامت، دسته‌بندی آیات، ساختار، سیر هدایتی و در نهایت غرض کلی سوره بیان شده است. در ادامه نظر مفسر کتاب *الاساس فی تفسیر القرآن* که از تفاسیر بارز در زمینه فهم منسجم سوره‌های قرآن کریم است، به منظور مقایسه و سنجش یافته‌های پژوهش حاضر مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

سوره قیامت، سیر هدایتی، دسته‌بندی آیات، غرض سوره‌ها، تفسیر ساختاری.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده سلامت و دین دانشگاه علوم پزشکی قم (نویسنده مسئول).

shokouhi@muq.ac.ir

rajabi@iki.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۵

** استاد گروه تفسیر و علوم قرآنی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۷

طرح مسئله

چینش کلمه‌ها، جمله‌ها و دسته‌های مختلف جمله‌ها در کنار هم می‌تواند مخاطب را به غرض از بیان آن کلام برساند. به میزانی که این چینش، دقیق، حساب‌شده و هنرمندانه انجام شود، گوینده در جذب مخاطب، القای درست غرض خود و اثرگذاری بر مخاطب موفق‌تر خواهد بود. سوره‌های قرآن کریم متشکل از آیات مختلفی است که در کنار هم قرار گرفته و به اذعان محققان چینش این آیات به صورتی وحیانی و به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام شده است. بی‌شک باید یکی از دغدغه‌های مهم مفسر، کشف غرض، ساختار سخن و سیر هدایتی سوره‌ها باشد تا از طریق معرفی این سیر، مخاطب را با هدایت آن سوره همراه سازد.

این پژوهش به دنبال برآوردن هدف مذکور در سوره قیامت است تا بدین وسیله نشان دهد که موضوعات مختلف مطرح‌شده در این سوره، از یک چینش منطقی و پیوستگی اعجازگونه‌ای بهره‌مند است که با تأمل دقیق قابل‌دستیابی است. به‌گونه‌ای که بعد از بیان ارتباط میان آیات، این رابطه‌ها به‌صورت امری روشن و بدیهی برای خواننده جلوه می‌کند؛ نکته‌ای که می‌تواند به‌عنوان یکی از سنجه‌های اعتبار یافته‌های پژوهش مطرح شود. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که ساختار سوره قیامت به چه شکلی است و این سوره از چند سیاق و دسته تشکیل شده است؟ سیر هدایتی سوره چیست و هر دسته از آیات چه نقشی در ساختار هدایتی سوره ایفا می‌کند؟ غرض کل سوره قیامت چیست؟ ضرورت این تحقیق در گرو توجه به این مهم است که اولاً فهم و تفسیر کامل کلام خدای متعالی تنها زمانی صورت می‌پذیرد که ارتباط آیات و دسته‌های مختلف آن و ساختار کلام روشن و سیر هدایتی آیات معلوم شود؛ ثانیاً با توجه به اینکه این رویکرد مخاطب را با متنی پیوسته مواجه می‌کند، می‌تواند بستری برای تحقیقات بعدی مثل کشف سیر تربیتی، سیر اقناع اندیشه و ... را فراهم آورد. افزون بر این، نگاه ساختاری و هماهنگ به سوره بسیاری از اختلافات تفسیری را از بین می‌برد. (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۸: ۱۷۵ - ۱۷۴)

این پژوهش ضمن معرفی گام‌هایی برای کشف مستدل ساختار، سیر هدایتی و غرض سوره‌ها، این گام‌ها را به روی سوره قیامت اجرا کرده است. به‌نظر می‌رسد، نیل به سیر هدایتی و غرض سوره‌ها با طی پنج گام قابل‌دستیابی است:

گام یکم: دسته‌بندی اولیه آیات؛

گام دوم: عنوان‌گذاری اولیه دسته‌ها؛

گام سوم: سنجش ارتباط بین دسته‌ها و سیاق‌بندی؛

گام چهارم: انتخاب عنوان مناسب برای سیاق‌ها؛

گام پنجم: سنجش ارتباط بین سیاق‌ها و انتخاب عنوانی متناسب برای کل سوره.^۱
در ادامه، این گام‌ها و قواعدی که در طی این گام‌ها باید رعایت شود، با تفصیل بیشتری مطرح خواهد شد.

دسته‌بندی و عنوان‌گذاری اولیه آیات

همان‌طور که بیان شد، گام اول در کشف استدلالی سیر هدایتی و غرض سوره‌ها، دسته‌بندی اولیه آیات سوره است. در این مرحله آیاتی که از اتصال لفظی،^۲ محتوایی و اسلوبی روشن و غیرقابل‌انکاری برخوردارند، به‌طوری‌که از نظر لفظی و معنوی نمی‌توان این آیات را از هم جدا کرد، در یک دسته قرار می‌گیرد. البته وقتی ارتباط لفظی برقرار باشد، طبیعتاً ارتباط معنوی هم برقرار خواهد بود. عنوان‌گذاری این دسته‌ها به‌عنوان گام دوم در این مسیر مطرح است که هم‌زمان با دسته‌بندی آیات انجام می‌شود. در این مرحله برای بالا رفتن دقت کار، باید به چند نکته توجه داشت: در انتخاب عنوان برای دسته‌ها باید اصول عقلایی محاوره در تحلیل جملات رعایت گردد. در کتاب *اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن* ۱۷ قاعده برای عنوان‌گذاری درست مطرح شده است که این قواعد هم در مرحله عنوان‌گذاری دسته‌ها، هم عنوان‌گذاری سیاق‌ها می‌تواند کاربرد داشته باشد. (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۶: ۲۴۵ - ۲۷۹)

عناوین باید نزدیک به الفاظ و عبارت‌های آیات باشد و تا حد امکان نباید از الفاظ دور شود تا در جمع‌بندی‌های بعدی احتمال خطا کمتر گردد.

عنوان‌گذاری فرایندی رفت و برگشتی، تکرارشونده و تکاملی خواهد داشت. به میزانی که ارتباط بین آیات و دسته‌ها بیشتر کشف شود، عناوین دقیق‌تر خواهد بود. بر این پایه باید توجه داشت که در این مرحله عناوین اولیه است و عمدتاً براساس معنا و مفهوم آیات شکل می‌گیرد و کمتر امکان دخالت غرض از القای آیات، ارتباط و جایگاه دسته‌ها، در عناوین خواهد بود و لازم است در مراحل بعد، به‌ویژه در فرایند سیاق‌بندی و عنوان‌گذاری سیاق‌ها، عنوان دسته‌ها نیز کامل‌تر شود.

۱. در این زمینه محمد خامه‌گر در کتاب *اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن* و یکی از مقالات به همراه همکاران، پنج مرحله را که هر مرحله شامل گام‌هایی است، برای کشف غرض سوره‌ها پیشنهاد داده‌اند. کلیات گام‌های پیشنهادی در این تحقیق مشترک با آن کتاب است. (ر.ک: خامه‌گر و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳ - ۲۲؛ ۱۳۹۶: ۴۳۰ - ۱۰۴)

۲. مراد از اتصال لفظی، ارتباط نحوی بین آیات است که شامل عطف یک آیه به آیه قبل یا اداتی مثل «کلا»، «بل»، «لا» و ... که نشان می‌دهد این دو آیه به هم متصل هستند.

انجام این دو گام باعث تلخیص و فروگاهی متن و در نتیجه تحلیل راحت‌تر ارتباط دسته‌های آیات با هم خواهد شد.

در ادامه، ضمن بیان دسته‌بندی آیات سوره قیامت، دلایل و استدلال‌های دسته‌بندی پیشنهادی مطرح می‌شود و همزمان عنوان مناسب برای هر دسته بیان می‌گردد.
دسته یکم: آیه ۲ - ۱؛ این آیات قسم‌هایی است که با «واو» به هم عطف شده‌اند که هم از نظر لفظی و هم از نظر معنایی متصل هستند.

در ادامه مشخص خواهد شد که معنای استفاده شده از کل سوره، همان محتوایی است که این دو قسم درصدد تأکید آن است. بین قسم و جواب قسم، غالباً جواب قسم مهم‌تر است؛ زیرا قسم برای تأکید جواب قسم به کار می‌رود؛ بر این اساس عنوان چنین پیشنهاد می‌شود: تأکید در راستای جهت هدایتی سوره.

دسته دوم: آیه ۶ - ۳؛ این آیات ارتباط لفظی و معنایی روشنی با هم دارند و می‌توان یک دسته به حساب آورد. با این توضیح که آیه سوم با پرسش انکاری، از گمان انسان بر عدم امکان معاد پرده برمی‌دارد. آیه چهارم با واژه «بلی» به این سؤال پاسخ می‌دهد و بر قدرت خداوند نسبت به زنده کردن مردگان تأکید می‌کند. آیه پنجم با واژه «بل» ضمن اضراب از شبهه مطرح شده در آیه سوم، به ریشه این شبهه اشاره می‌کند. آیه ششم بدل اشمال یا بدل مطابق از آیه ۵ است. (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۹ / ۳۱۸؛ صافی، ۱۴۱۸: ۲۹ / ۱۶۹؛ درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۲۹۷)

این آیات متشکل از گمان انسان بر عدم معاد (آیه ۳)، پاسخ خدای متعالی (آیه ۴) و ریشه‌یابی انکار معاد است (آیه ۵). هر سه آیه در عرض هم ارزیابی می‌گردد؛ بنابراین عنوان متناسب با این دسته، «شک و استبعاد انسان در مورد قیامت، پاسخ خدای متعالی و ریشه‌یابی انکار معاد» پیشنهاد می‌شود.

دسته سوم: آیه ۱۵ - ۷؛ این آیات دارای ارتباط لفظی و معنایی وثیقی هستند که فراز را تشکیل می‌دهند. آیه هفتم هرچند با «فا» آغاز شده است؛ ولی روشن است که «فا» در ابتدای این دسته، عطف یک کلمه به کلمه قبل یا حتی عطف یک جمله به جمله قبل نیست. اعراب‌گذاران قرآن کریم نیز آن را استیناف دانسته‌اند (صالح، ۱۹۹۸: ۱۲ / ۲۵۹؛ دعاس و همکاران، ۱۴۲۵: ۳ / ۴۰۳) بر این اساس آیه هفتم شروع دسته جدیدی از آیات است. این دسته از آیات با شرط شروع شده و آیه ۸ و ۹ به آن عطف شده‌اند. آیه ۱۰ جواب شرط محسوب می‌شود و آیه ۱۱ با «کلاً» طلب راه گریز از طرف انسان در آیه ۱۰ را رد می‌کند و آیه ۱۲ در همین راستا، توضیح می‌دهد که پناه و استقرار در چنین روزی، نزد پروردگار است. آیه ۱۳ را می‌توان بدل از آیه ۱۰ و از نظر معنا جواب شرط دوم

دانست؛ یعنی وقتی آن اتفاقات می‌افتد، انسان در چنین روزی می‌گوید راه فرار کجاست (آیه ۱۰) و انسان در چنین روزی نسبت به اعمالش آگاه می‌شود (آیه ۱۳). آیه ۱۴ با «بل» اضرابی انتقالی، مطلب بیان شده در آیه ۱۳ را ارتقا می‌دهد به اینکه نیازی به خبردادن به اعمال او نیست و خود به اعمالش آگاه است. (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۹ / ۳۲۲) آیه ۱۵ حال از ضمیر مستتر در «بصیره» در آیه ۱۴ است. (صافی، ۱۴۱۸: ۲۹ / ۱۷۱)

ساختار این دسته از آیات متشکل از شرط (آیه ۹ - ۷) و جواب شرط (آیه ۱۰ و ۱۳) و آیاتی در توضیح بیشتر جواب شرط است. با توجه به اینکه غالباً شرط مقدمه بیان جواب شرط محسوب می‌شود، عنوان با تأکید بر جواب شرط و لحاظ شرط به این صورت پیشنهاد می‌شود؛ «بی‌پناهی انسان و آگاهی او نسبت به اعمالش در هنگامه هولناک قیامت»

دسته چهارم: آیه ۱۹ - ۱۶؛ این آیات خطاب به پیامبر ﷺ است و کاملاً از فضای بحث آیه ۱۵ - ۷ جدا شده و موضوع جدیدی شروع شده است. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۷ / ۴۷۱) بر این پایه آیه ۱۶ شروع دسته بعدی محسوب می‌شود. آیه ۱۷ علت امر «لَا تُحَرِّكْ...» در آیه قبل را بیان می‌کند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۲۶۶) آیه ۱۸ با «فا» به آیه ۱۶ عطف شده و آیه ۱۹ با «ثم» به آیه قبل عطف شده است. بر این اساس این دسته از آیات نیز از اتصال لفظی و به تبع آن از اتصال معنایی برخوردارند.

در این آیات آیه ۱۶ آیه محوری محسوب می‌شود و آیات بعد در راستای توضیح و توجیه نهی مطرح شده در آیه ۱۶ ایفای نقش می‌کنند. بر این پایه عنوان این دسته با محوریت آیه ۱۶، چنین پیشنهاد می‌شود: «نهی رسول خدا ﷺ از تعجیل در قرائت آیات قبل از دریافت کامل وحی»

دسته پنجم: آیه ۲۱ - ۲۰؛ آیه ۲۰ خطاب به عموم مردم است و با دسته قبلی آیات از نظر لفظی و معنایی مرتبط نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۱۱۱) آیه ۲۱ با «واو» به آیه قبل عطف شده است. این دسته متشکل از دو آیه است که در عرض هم هستند. بنابراین عنوان از برآیند هر دو آیه به دست می‌آید: «دنیاخواهی و رها کردن آخرت».

دسته ششم: آیه ۲۵ - ۲۲؛ آیه ۲۲ به لحاظ لفظی ارتباطی به آیه قبل ندارد. از این رو آغاز دسته جدید محسوب می‌شود. آیه ۲۵ - ۲۲ از ارتباط لفظی و معنوی با هم برخوردارند، بر این اساس یک دسته را تشکیل می‌دهند. با این توضیح که آیه ۲۳ خبر دوم برای «وجوه» در آیه ۲۲ است. (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۰۴؛ نحاس، ۱۴۲۱: ۵ / ۵۵) آیه ۲۴ با «واو» به آیه ۲۲ عطف شده است و آیه ۲۵ خبر دوم برای «وجوه» در آیه ۲۴ می‌باشد. (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۰۵)

شناخت ساختار کلام در این دسته، به بیان عنوان متناسب با دسته کمک می‌کند. ساختار آیات در

این دسته، متشکل از دو «وجوه»^۱ است که در ادامه، هرکدام با دو خیر (آیه ۲۳ - ۲۲ و آیه ۲۵ - ۲۴) توضیح داده شده‌اند. بر این اساس عنوان متناسب با آن «انواع چهره‌ها در آخرت» پیشنهاد می‌شود.

دسته هفتم: آیه ۳۰ - ۲۶؛ آیه ۲۶ هرچند با «کلاً» آغاز شده ولی با دقت در محتوای آیات قبل می‌یابیم که این آیه با دسته آیات قبل ارتباطی ندارد و در دسته قبل موضوعی برای ردع وجود ندارد. بنابراین آیه ۲۶ شروع دسته بعد به‌شمار می‌رود. این دسته از آیات در واقع یک جمله، در قالب شرط و جواب است. آیه ۲۶ شرط و آیه ۲۹ - ۲۷ با «واو» به جمله شرط عطف شده است و آیه ۳۰ جواب شرط است. (صالح، ۱۹۹۸: ۱۲ / ۲۶۷) بین شرط و جواب شرط، غالباً جواب شرط اصالت دارد و شرط مقدمه‌ای برای بیان جواب شرط است. بر این اساس عنوان بر مبنای جواب شرط و با لحاظ شرط چنین پیشنهاد می‌شود: «لحظات سخت مرگ و جان دادن نقطه آغاز سیر به سمت پروردگار».

دسته هشتم: آیه ۳۵ - ۳۱؛ آیه ۳۱ هرچند با «فا» آغاز شده ولی عطف به آیه یا آیات قبل نیست و به همین دلیل برخی اعراب‌گذاران قرآن کریم آن را استیناف دانسته‌اند. (صافی، ۱۴۱۸: ۲۹ / ۱۷۷) بنابراین آیه ۳۱ آغاز دسته جدید محسوب می‌شود. این دسته از آیات نیز از ارتباط وثیق لفظی و معنوی به هم برخوردارند و می‌توان یک دسته در نظر گرفت. آیه ۳۲ با «لکن» به آیه ۳۳ عطف شده است. ارتباط آیه ۳۴ با آیات قبل به این صورت است که «اولی ...» در آیه ۳۴ خبر برای ضمیر محذوف است و مرجع ضمیر آن، حالت انسانی است که در آیه ۳۳ - ۳۱ ذکر شده بود. در واقع این آیه حال کنونی انسان منکر معاد (نماز نخواندن، تصدیق نکردن و بازگشت متکبرانه) را سزاوار او می‌داند که کنایه از سزاواری او نسبت به تبعات بد اعمالش است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۱۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۹ / ۲۳۱) بنابراین هم ارتباط لفظی و هم معنوی بین این آیه و آیات قبل وجود دارد. آیه ۳۵ با «ثم» به آیه ۳۴ عطف شده است و به لحاظ معنا تأکید آیه قبل محسوب می‌شود.

ساختار این دسته به این صورت است که آیه ۳۳ - ۳۱ مقدمه سرزنشی است که در آیه ۳۴ مطرح شده است و آیه ۳۵ تأکید آیه قبل است؛ بنابراین آیه ۳۴ محوریت دارد و عنوان براساس این آیه و لحاظ آیات دیگر چنین پیشنهاد می‌شود: «عذاب الهی سزاوار اهل تکذیب و تولی»

دسته نهم: آیه ۴۰ - ۳۶؛ این آیه به لحاظ لفظی و معنوی ارتباطی با خصوص آیه یا دسته آیات قبل ندارد، بر این اساس ابتدای دسته جدید محسوب می‌شود. ارتباط آیات این دسته با هم، به این شرح است: آیه ۳۶ با استفهام انکاری به‌منظور توبیخ انسان آغاز شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۱۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۰۶) و انسان را به دلیل گمان او بر بیهوده بودن آفرینش، توبیخ کرده است.

۱. تنوین «وجوه» در آیه ۲۲ برای تقسیم و بیان انواع «وجوه» است. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۹ / ۳۲۷)

آیه ۳۹ - ۳۷ استدلال و شاهی برای اثبات آیه ۳۶ و ۴۰ است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۹ / ۳۴۰ - ۳۳۹)؛ با این توضیح که دقت و تدبیری که در مراحل خلقت انسان نهفته است، شاهی بر وجود تفکر و تدبیر در زندگی کلان بشر است. از سوی دیگر آیه ۳۹ - ۳۶ با اشاره به مراحل خلقت نخستین انسان، او را متوجه قدرت خدای متعالی بر زنده کردن دوباره و معاد می‌نماید. با توضیحات فوق روشن می‌شود که آیه ۳۶ و آیه ۴۰ محوریت دارد و آیات ۳۹ - ۳۷ درصدد اثبات آیات مذکور هستند و عنوان پیشنهادی با محوریت این دو آیه و لحاظ آیات میانی چنین پیشنهاد می‌شود: «اثبات ضرورت معاد و قدرت خدای متعالی بر آن»

سیاق‌بندی و عنوان‌گذاری سیاق‌ها

همان‌طور که گذشت، گام سوم، سنجش ارتباط بین دسته‌ها و سیاق‌بندی و گام چهارم انتخاب عنوان مناسب برای سیاق‌ها است. در این مرحله تلاش می‌شود، ارتباط دسته‌های مختلف باهم سنجیده شود. دسته‌هایی از آیات که ارتباط لفظی و محتوایی نزدیک‌تری دارند و به عبارتی سیر بیانی واحدی را دنبال می‌کنند، در یک دسته قرار داده می‌شود. در پژوهش حاضر عنوان سیاق برای این دسته‌ها پیشنهاد شده است.

باید توجه شود که در این مرحله معیار سیاق‌بندی وجود سیر واحد بیانی است. به‌گونه‌ای که خواننده متوجه شود که سیر بیانی آغاز شده در ابتدای سیاق هنوز ادامه دارد و سیر جدیدی شروع نشده است. علت اینکه ابتدا، آیات دسته‌بندی و سپس سیاق‌بندی شد، این است که به هر میزان که حرکت از جزء به کل، به تدریج و با دقت بیشتری انجام شود، تحلیل‌های خارج از متن، کمتر مجال تأثیرگذاری بر ذهن و در نتیجه دور شدن از واقعیت‌های متن پیدا می‌کند.

در این مرحله نیز باید توجه داشت که اصول عقلایی محاوره در انتخاب عنوان رعایت شود.

(ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۶: ۲۷۹ - ۲۴۵)

با بررسی ارتباط بین دسته‌های پیش‌گفته در سوره قیامت، می‌یابیم که آیات این سوره از چهار سیاق تشکیل شده است. سیاق اول آیه ۱ و ۲، سیاق دوم آیه ۱۵ - ۳ و ۳۵ - ۲۰، سیاق سوم آیه ۱۹ - ۱۶، سیاق چهارم آیه ۴۰ - ۳۶؛

در ادامه، ابتدا در هر سیاق پیوستگی داخلی دسته‌های سیاق و نیز گسست آنها از سیاق‌های قبل و بعد بررسی می‌شود، سپس در هر سیاق، ضمن کشف ساختار دسته‌ها و نسبت‌سنجی بین دسته‌های مختلف، عنوان مناسب برای آن سیاق مطرح می‌شود.

سیاق یکم: آیه ۲ - ۱

دلایل سیاق‌بندی

آیه ۲ - ۱ دو قسم است که به هم عطف شده‌اند. به نظر می‌رسد معیار درست در تشخیص اینکه این دو آیه دسته‌ای مستقل است یا متصل به آیات بعد، جواب قسم است. اگر جواب قسم صرفاً مستفاد از آیه یا دسته آیات بعد باشد، در این صورت این دو آیه متصل به آیات بعد خواهد بود، به دلیل اینکه نمی‌توان قسم را در یک سیاق و جواب قسم را در سیاق دیگری قرارداد؛ ولی اگر معتقد باشیم که جواب قسم از کل محتوای هدایتی سوره استفاده می‌شود و آیات ابتدایی محتوای هدایتی کل سوره را تأکید می‌کند، در این صورت آیات اول و دوم مقدمه کل سوره محسوب خواهد شد. به نظر می‌رسد استقلال آیه ۲ - ۱ درست‌تر باشد، به دلیل اینکه تمام فرازهای این سوره به‌نوعی درصدد حل مشکل انکار معاد مخاطبان است و هر فراز در این راستا نقش خاص خود را ایفا می‌کند و نمی‌توان مدعی شد که جواب قسم از خصوص یک یا چند آیه استفاده می‌شود. به این ترتیب آیه ۲ - ۱ سیاق اول آیات را تشکیل می‌دهد.

عنوان‌گذاری سیاق یکم

دو آیه ابتدایی این سوره طلیعه و مقدمه‌ای است که به تأثیرگذاری هرچه بیشتر محتوای سوره یاری می‌رساند؛ زیرا این آیات از یک سو به‌وسیله قسم، محتوای هدایتی سوره را تأکید می‌کند و از سوی دیگر با طرح روز قیامت و نفس لوامه در کنار هم، ذهن مخاطب را نسبت به پذیرش معاد آماده می‌کند؛ زیرا نفس لوامه در حقیقت یک نظام محاکمه و پرسش در درون انسان‌ها است و با یادآوری این امر پذیرش وقوع قیامت به‌عنوان نظام محاکمه و پرسشگری در عالم بیرون نیز برای انسان راحت‌تر خواهد بود. بر این اساس عنوان متناسب با این سیاق چنین پیشنهاد می‌شود: تأکید در راستای جهت هدایتی سوره؛ به قیامت و نفس لوامه سوگند یاد نمی‌کنم؛ چراکه وجود نظام پرسش و محاکمه در نفس انسانی، نشانه‌ای آشکار بر وجود نظام محاکمه در عالم هستی است.

سیاق دوم: آیه ۱۵ - ۳ و ۳۵ - ۲۰

دلایل سیاق‌بندی

این سیاق مشتمل بر شش دسته از آیات است. (آیه ۶ - ۳، آیه ۱۵ - ۷، آیه ۲۱ - ۲۰، آیه ۲۵ - ۲۲، آیه ۳۰ - ۲۶ و آیه ۳۵ - ۳۱) برای اثبات اینکه این آیات سیر بیانی واحدی دارند و یک سیاق را تشکیل می‌دهند، باید شواهدی لفظی و معنوی اقامه شود تا ثابت شود در تمام این دسته‌ها سیر بیانی شروع شده از آیه سوم، ادامه پیدا کرده است. شواهد این بخش عمدتاً معنوی و گاه لفظی است. در ادامه به ارتباط بین این دسته‌ها اشاره می‌شود.

آیه ۶-۳ ولنگاری خواهی را به‌عنوان ریشه انکار معاد معرفی کرده است و مخاطب آیات با انگیزه انکار، از زمان وقوع قیامت سوال کرده است (صبحی، ۱۳۹۴: ۵ / ۹۳) و آیه ۱۵-۷ ضمن پاسخ اندازی به سؤال منکر معاد (صابونی، ۱۴۲۱: ۳ / ۴۶۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۳ / ۲۴۱) با انداز متناسب به دنبال از بین بردن این ریشه گرایشی انکار معاد است که در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد. با این بیان روشن می‌شود که سیر شروع‌شده در آیه ۶-۳، در این آیات ادامه پیدا کرده است.

آیه ۲۱-۲۰ نیز ارتباط لفظی و معنایی با آیات ۶-۳ دارد. «کلا بل» در آیه ۲۰ انکار معاد مطرح‌شده در «ایحسب الإنسان أن نجمع عظامه» (آیه ۳) را رد کرده و از این جهت نظیر «بل یرید الإنسان لیفجر أممه» در آیه ۵ است. در واقع خدای متعالی دو ریشه برای انکار معاد مطرح فرموده است. میل به فجور (آیه ۵) و محبت دنیا و فراموش کردن آخرت (آیه ۲۱-۲۰). (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۱۱۱) بر این اساس ارتباط لفظی و معنایی روشنی بین این دو دسته وجود دارد و آیه ۱۶-۱۶ جملات معترضه‌ای است که بین آیات کاملاً مرتبط قرار گرفته است. آیه ۲۵-۲۲ با توصیف انواع چهره‌ها در آخرت و سرنوشت‌ساز بودن آن، در مورد آخرت که در آیه ۲۱ مطرح‌شده بود، توضیحاتی ارائه می‌دهد. آیه ۳۰-۲۶ با یادآوری مرگ در دنیا و ختم زندگی دنیایی به سوق به سمت پروردگار، توضیحی بر «الاعجاله» در آیه ۲۰ محسوب می‌شود. آیه ۳۵-۳۱ نیز توضیحی بر حال حسرت‌بار منکر معاد در لحظات سخت جان دادن است. بر این اساس این آیات در ادامه آیه ۳۰-۲۶ ارزیابی می‌شود. با توجه به توضیحات فوق سیریبانی آغازشده در آیه ۶-۳ تا آیه ۳۵ ادامه یافته است. (به‌استثنای آیه ۱۹-۱۶ که به‌عنوان معترضه در دل سیاق دوم قرار گرفته است.)

عنوان‌گذاری سیاق دوم

در این سوره، سیاق دوم تنها سیاقی است که چند دسته آیه را در خود جای‌داده است. بر این اساس ضمن بررسی نسبت بین این دسته‌ها و کشف ساختار این سیاق، عنوانی مناسب برای این سیاق بیان خواهد شد.

در دسته اول آیات این سیاق (آیه ۶-۳)، ابتدا مسئله انکار و استبعاد قیامت توسط انسان مطرح‌شده (آیه ۳) و ضمن پاسخ ابتدایی به آن در آیه ۴، در آیه ۶-۵ ریشه نفسانی انکار انسان بیان‌شده است؛ یعنی آنان چون میل به فسق و فجور دارند، باحالت انکار و استهزا می‌پرسند، قیامت کی رخ خواهد داد؟ (چیت‌ساز، ۱۳۸۶: ۲۸۱)

دسته بعد؛ آیه ۱۵-۷ که به‌صورت شرط و جواب شرط مطرح‌شده است، در پاسخ این سؤال انکاری، با اندازهایی متناسب، سعی در درمان ولنگاری خواهی انسان دارد. با این توضیح که آیات

مذکور دو موضوع را پی‌گیری می‌کند که در درمان انگیزه انکار قیامت بسیار حیاتی است؛ در روز قیامت انسان دنبال پناهگاه خواهد گشت. درحالی‌که جز خدای متعالی پناهگاهی وجود ندارد. (آیه ۱۲ - ۷) باین این واقعیت، ضعف انسان در مقابل خدای متعالی که تنها پناهگاه موجودات است، آشکار خواهد شد. در آن روز از اعمال انسان به او خبر خواهند داد، هرچند که خود بصیر بر آن است. (آیه ۱۵ - ۱۳) مقایسه این دو موضوع با میل انسان به فسق و فجور، می‌فهماند که فراز دوم برای درمان و از بین بردن ریشه نفسانی انکار معاد (میل انسان به فسق و فجور) است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۷ / ۱۲۷؛ صبحی، ۱۳۹۴: ۵ / ۹۴)؛ انسان طالب فسق و فجور یا باید قدرت داشته باشد؛ یا باید قائل به دنیایی بی‌حساب و کتاب باشد تا هرچه می‌خواهد انجام دهد؛ این دسته از آیات هر دو احتمال را نفی می‌کند و وجهی برای انسان باقی نمی‌گذارد تا دنبال هوی و هوس خود باشد.

در آیه ۲۲ - ۲۱ که با «كُلًّا» شروع شده، انکار معاد مطرح شده در «أَيُّسَبُّ الْإِنْسَانَ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ» رد شده و دنیاگرایی و رها کردن آخرت به‌عنوان ریشه دوم انکار معاد مطرح شده است. با نگاهی به ریشه دوم (دنیاخواهی) درمی‌یابیم که این مورد، نسبت به ریشه اول یعنی ولنگاری‌خواهی، عمیق‌تر است و در حقیقت، علت و ریشه میل به فجور و ولنگاری خواهی هم محسوب می‌شود. بر این اساس خدای سبحان باین ریشه دوم قدمی عمیق‌تر در علت‌یابی مشکل انکار قیامت برمی‌دارد. در ادامه، آیات برای حل این مانع انگیزشی پذیرش معاد، سه‌گام برمی‌دارد. نخست با توصیف عاقبت انسان‌ها در قیامت در آیه ۲۵ - ۲۲، انسان را متوجه این حقیقت می‌کند که چه آخرتی را رها کرده است، آخرتی که سعادت و عذاب انسان در آن رقم خواهد خورد و بدین‌وسيله کمک می‌کند تا انسان از دنیا دوستی و رها کردن آخرت منصرف شود. در ادامه آیه ۳۰ - ۲۶ با «كَلَّا» رویکرد انسان در آیه ۲۰ - ۲۱ را رد می‌کند. (صالح، ۱۹۹۸: ۱۲ / ۲۶۵) یادآوری لحظات سخت‌جان دادن و مرگ که در واقع دروازه سیر به‌سوی مالک و مدبر جهانیان و پایانی بر زندگی دنیوی است، هشدار به انسانی است که حب دنیا را در دل می‌پروراند و آخرت را رها کرده. این تذکر او را از برگزیدن دنیا بر حذر می‌دارد. (المراغی، بی‌تا: ۲۹ / ۱۵۴) به‌این‌ترتیب آیات ۲۵ - ۲۲ و ۳۰ - ۲۶ نگاه انسان را به دنیا و آخرت اصلاح می‌کند و از دنیاخواهی و آخرت‌گریزی برحذر می‌دارد. آیه ۳۵ - ۳۱ در حقیقت تکمیل فراز قبلی و در راستای نهی انسان از برگزیدن دنیا، این آیات انسان کافر در حال مرگ را به افسوس و حسرتی جان‌سوز که در آن شرایط دشوار متوجه اوست، هشدار می‌دهد. این هشدار می‌تواند نظر انسان دنیا دوست را از حب دنیا منصرف کند.

با توضیحات فوق روشن می‌شود که در این سیاق ابتدا در آیه ۶ - ۳ ریشه انگیزشی انکار معاد

مطرح شده و در آیه ۱۵ - ۷ با انذار متناسب در مقام درمان آن برآمده است. آیه ۲۱ - ۲۰ ریشه انگیزشی دوم انکار معاد را مطرح کرده است و آیه ۲۵ - ۲۲ با تبیین آخرت و آیه ۳۰ - ۲۶ با یادآوری لحظات سخت مرگ در دنیا و نیز آیه ۳۵ - ۳۱ با یادآوری حسرت و پشیمانی انسان منکر قیامت در لحظات سخت جان دادن، به دنبال درمان ریشه دوم انکار معاد است. بر این اساس می‌توان گفت که در این سیاق دو ریشه انگیزشی انکار معاد مطرح و با انذارهای متناسب سعی در درمان آن شده است. بر این پایه می‌توان عنوان زیر را برای سیاق دوم پیشنهاد داد: «بیان ریشه‌های انگیزشی انکار قیامت و از بین بردن این ریشه‌ها با انذار متناسب»

نمودار زیر ساختار دسته‌های مختلف آیات این سیاق را نشان می‌دهد؛



سیاق سوم: آیه ۱۹ - ۱۶

با توجه به اینکه این سیاق تنها از یک دسته تشکیل شده است، گسست این آیات از آیات قبل و بعد؛ و نیز پیوستگی درونی این آیات قبلاً توضیح داده شد. عنوان سیاق هم قبلاً ذکر شد. نکته‌ای که باید در این مجال متعرض آن شویم، تناسب این آیات با آیات قبل و بعد و دلیل قرار گرفتن این آیات در جایگاه فعلی است. بسیاری از مفسران درصدد توجیه ارتباط این آیات، با آیات

قبل و بعد برآمده‌اند. (رک: حوی، ۱۴۲۴: ۱۱ / ۶۲۶۷؛ مراغی، بی‌تا: ۲۹ / ۱۵۱ - ۱۵۰؛ خطیب، بی‌تا: ۱۵ / ۱۳۲۱ - ۱۳۲۰) و گاه ارتباط‌هایی بیان شده است که دور از ذهن می‌نماید. (رک: رازی، ۱۴۲۰: ۳۰ / ۷۲۷ - ۷۲۶) برخی نیز این آیات را در فضای قیامت و خطاب به انسانی که منکر قیامت است، در نظر گرفته‌اند (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۰۱ - ۶۰۰؛ طوسی، بی‌تا: ۱۰ / ۱۶۶؛ طبری، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۱۸۷) که به نظر می‌رسد با ظاهر آیات تناسب چندانی ندارد. پرداختن به این مسئله خود نیاز به تحقیقی مستقل دارد؛ ولی به هر تقدیر، وجود کلام معترضه در سخنرانی یا نوشته هیچ خللی به نظم کلام نمی‌رساند زیرا در هر کلامی می‌تواند جملات معترضه‌ای که ارتباطی به قبل و بعد ندارد، قرار بگیرد. نکته حائز اهمیت این است که جمله معترضه باید حکیمانه و بجا استعمال شود. بر این اساس به جای سؤال از اینکه چه ارتباطی بین این آیات و آیات قبل و بعد وجود دارد؟ باید پرسید، این آیات معترضه به چه مناسبتی در جایگاه کنونی قرار گرفته‌اند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت آیات قرار گرفته در یک سوره، غرضی هدایتی را در یک بستر تاریخی دنبال می‌کنند. هرچند طبق آیات و روایات، آیات قرآن محدود به آن بستر تاریخی نیست؛ ولی به کلی فارغ از اتفاقاتی که در زمان نزول می‌افتاد نیز، نبوده‌است. بر این اساس باید گفت حضور این آیات در جایگاه کنونی تابع اتفاقی است که در حین نزول آیات، روی داده است. پیامبر اکرم ﷺ همزمان با نزول آیات، زبان مبارکشان را حرکت می‌دادند تا وحیی را که هنوز به‌طور کامل نازل نشده است، بخوانند. این آیات نازل می‌شوند و حضرت را از این کار منع می‌کنند. علامه طباطبایی این آیات را به مکالمه بین دو نفر تشبیه کرده‌اند که مخاطب در طی صحبت متکلم، سعی می‌کند سخن او را با یک یا چند کلمه تکمیل کند. متکلم احساس می‌کند، با این کار، ممکن است مخاطب نتواند سخن او را به‌طور کامل دریافت کند. سخنش را قطع می‌کند و به او می‌گوید: عجله نکن و سخنی نگو تا بتوانی سخن مرا بهتر دریافت کنی و بعد از این تذکر، مجدداً به سخن خود ادامه می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۱۰۹)

سیاق چهارم: آیه ۴۰ - ۳۶

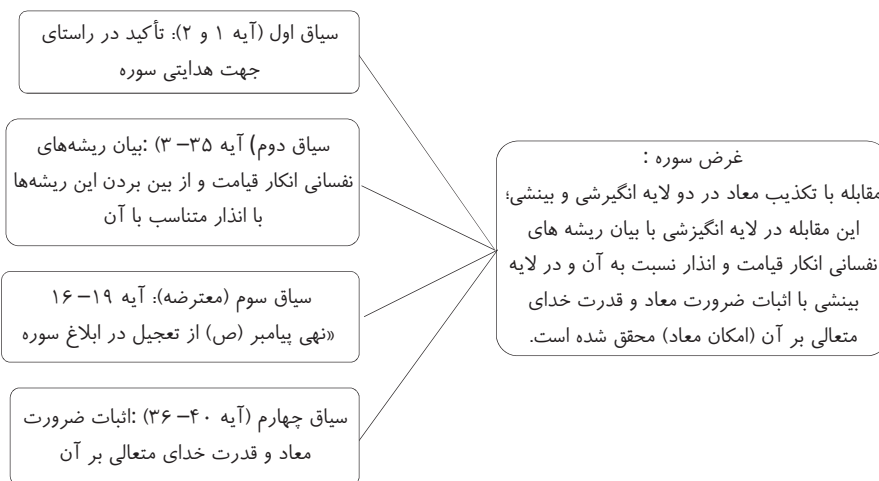
با توجه به اینکه این سیاق نیز تنها از یک دسته تشکیل شده است، دلایل گسست این آیات از آیات قبل و بعد و نیز پیوستگی درونی این سیاق، همچنین عنوان سیاق همانی است که قبلاً در دسته‌بندی و عنوان‌گذاری دسته‌ها مطرح شد.

غرض کل سوره

همان‌طور که گذشت، گام نهایی در این مسیر سنجش ارتباط بین سیاق‌ها و انتخاب عنوانی متناسب

برای کل سوره است. برای کشف غرض مناسب کل سوره، ابتدا باید ارتباط بین سیاق‌های مختلف سوره بررسی و با نسبت سنجی بین آنها به غرض کل سوره دست‌یافت. بدیهی است که در این مرحله نیز باید اصول عقلایی محاوره در انتخاب عنوان لحاظ شود. (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۶: ۲۷۹ - ۲۴۵)

در این سوره، سیاق اول مقدمه و تأکیدی بر کل سوره است. سیاق دوم ضمن طرح انکار معاد از سوی مخاطبان سوره، ریشه‌های انگیزشی انکار معاد را طرح و با اندازهای متناسب درمان کرده است. در سیاق سوم پیامبر اکرم ﷺ از تعجیل در ابلاغ سوره پیش از پایان آن نهی شده است. در سیاق چهارم نسبت به ضرورت و امکان معاد استدلال شده است. سیاق اول از این جهت که مقدمه و طلیعه سوره است و برای تأکید محتوای کل سوره آمده و سیاق سوم از این جهت که معترضه است، نمی‌تواند اصالت داشته باشد. بر این اساس سیاق دوم و سوم در این سوره محوریت دارد و غرض کل سوره با محوریت سیاق دوم و سوم چنین پیشنهاد می‌شود: «مقابله با تکذیب معاد در دو لایه انگیزشی و بینشی»؛ این مقابله در لایه انگیزشی بایان ریشه‌های نفسانی انکار قیامت و انذار متناسب با آن و در لایه بینشی با اثبات ضرورت معاد و قدرت خدای متعالی بر آن (امکان معاد) محقق شده است. نمودار زیر ارتباط بین سیاق‌های سوره مبارک قیامت را نشان می‌دهد.



سیر هدایتی سوره

سوره مبارک قیامت با مخاطبانی روبرو است که قیامت را انکار می‌کنند زیرا زنده شدن مردگان و بازگشت دوباره استخوان‌های پوسیده به حالت اول را امری ناممکن می‌شمارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵ / ۲۷۷) در چنین فضایی سوره قیامت به هدایتگری می‌پردازد؛ ابتدا با سوگند به قیامت و

نفس لوّامه افکار را متوجه محتوای بلند سوره می‌کند. نفس لوامه جنبه‌ای از روح آدمی است که انسان را محاکمه و سرزنش می‌کند، توجه به‌وجود چنین نظامی در درون انسان، ذهن‌ها را برای قبول نظام محاکمه در عالم خارج آماده می‌کند. (آیات ۱ و ۲)

در ادامه به جای پاسخ به شبهه منکران در مورد قدرت خدا در زنده کردن مردگان، به ریشه‌یابی تکذیب معاد و تحلیل انگیزه‌های روانی و نفسانی تکذیب آن می‌پردازد تا به همه بفهماند که مشکل اصلی منکران معاد شبهه در قدرت خدا نیست؛ بلکه ریشه در روح و روان آنها دارد. قرآن ریشه انکار قیامت را ولنگاری طلبی انسان بیان می‌کند، آری انسان برای باز کردن راه پیش‌روی خود و رها شدن از هر قید و بندی، قیامت را انکار می‌کند و از سر استبعاد از زمان قیامت می‌پرسد. قرآن در جواب این پرسش به بیان اوصاف خیره‌کننده قیامت می‌پردازد و هشدار می‌دهد که انسان در آن روز دنبال پناه‌گاه خواهد گشت و پناهگاهی جز خدا نخواهد یافت و از کرده‌هایش به او خبر خواهند داد؛ با این هشدار دیگر جایی برای ولنگاری خواهی انسان نمی‌ماند زیرا نه قدرت آن را دارد که هر چه دلش بخواهد انجام دهد و نه دنیا، دنیای بی‌حساب و کتابی است که هر کاری خواست انجام دهد. (آیه ۱۵ - ۳)

آیه ۱۹ - ۱۶ به مناسبت اتفاقی که در زمان نزول آیات به وقوع پیوسته بود، پیامبر اکرم ﷺ را از تعجیل در قرائت آیات، قبل از نزول کامل آیات، باز می‌دارد.

آیات در ادامه تحلیل عوامل درونی و انگیزشی تکذیب معاد و در نگاهی فراتر، حب دنیا و رها کردن آخرت را ریشه انکار معاد معرفی می‌کند و با بیان اوصاف آخرت که چهره‌هایی در آن روز شادمان‌اند و چهره‌هایی غمگین و ناراحت، به انسان توجه می‌دهد که چه آخرتی را رها کرده‌است. همچنین به انسان‌ها هشدار می‌دهد که هرکسی لحظات سخت جان دادن را خواهد چشید که زمان فراق با دنیا و سوق به سوی خدای متعالی است و به انسان می‌فهماند که چنین دنیایی ارزش دل‌بستن و برگزیدن را ندارد. این دو بیان از حقیقت آخرت و دنیای فانی انسان را از دوستی دنیا و رها کردن آخرت منصرف می‌کند. (آیه ۳۵ - ۲۰)

در پایان سوره به اثبات استدلالی ضرورت معاد و قدرت خدا بر آن می‌پردازد. وجود معاد ضروری است زیرا اگر معاد نباشد، زندگی انسان‌ها بیهوده و عبث خواهد بود و چگونه می‌توان به خدای حکیم چنین نسبت ناروایی داد. انسان کافی است به خلقت نخستین خود نظری بیافکند. خدای متعالی او را از نطفه‌ای بی‌ارزش، مرحله‌به‌مرحله به انسانی چنین تبدیل کرد. خلقتی که لحظه‌لحظه آن نیازمند نظم و تدبیری حکیمانه و دقیق است. این حقیقت، شاهدی زنده است که وجود تدبیر در نظام کلان خلقت انسانی را ثابت می‌کند. نظامی که تدبیر آن جز با وجود معاد و زندگی بعد از مرگ معنایی

نخواهد داشت. مراحل خلقت نخستین انسان در عین حال بزرگترین گواه بر قدرت خدای متعالی در بر پایی معاد هم به‌شمار می‌رود. (آیه ۴۰ - ۳۶)

دسته‌بندی، غرض و سیر هدایتی سوره مبارک قیامت در ال‌اساس فی التفسیر

در این بخش دسته‌بندی، غرض و سیرهدایتی سوره مبارک قیامت از منظر تفسیر ال‌اساس فی التفسیر مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد تا ضمن مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر، با یکی از تفاسیر مطرح در زمینه فهم منسجم، به نوعی از استحکام یافته‌های تحقیق اطمینان حاصل شود.

۱. دسته‌بندی سوره

سعید حوی این سوره را مشتمل بر یک مقدمه و دو فقره دانسته است.

مقدمه: آیه ۲ - ۱

فقره اول: آیه ۳۵ - ۳ که خود این آیات مشتمل بر چهار مجموعه است. مجموعه اول آیه ۱۵ - ۳؛

مجموعه دوم آیه ۱۹ - ۱۶؛ مجموعه سوم آیه ۲۵ - ۲۰ و مجموعه چهارم آیه ۳۵ - ۲۶

فقره دوم: آیه ۴۰ - ۳۶ (حوی، ج ۱۱، ص ۶۲۶۱ و ۶۲۶۵ - ۶۲۶۴)

بررسی

سعید حوی آیه ۲ - ۱ را دسته‌ای مستقل در نظر گرفته و از این جهت که به موضوع و مقصود سوره اشاره دارد، مقدمه سوره دانسته است که با توجه به توضیحات سابق این نکته درست به نظر می‌رسد.

ایشان آیات ۳۵ - ۳ را دسته دوم آیات دانسته است که خود به چهار مجموعه تقسیم شده است.

تنها نقدی که بر تقسیم‌بندی کلی ایشان وارد است، اینکه ارتباط مفهومی آیه ۲۶ - ۱۹ در حدی نیست که آن را یکی از زیر بخش‌های آیه ۳۵ - ۳ قرار دهیم. آیات قبل و بعد خطاب به مکذبان معاد است و درصدد حل انکار معاد از سوی مخاطبان؛ ولی آیه ۱۹ - ۱۶ خطاب به پیامبر ﷺ است و ایشان را از تعجیل در امر تبلیغ قرآن کریم قبل از القای کامل آن نهی می‌کند. تردیدی نیست که سیر مفهومی واحدی بین آیه ۱۹ - ۱۶ و دیگر دسته‌های این فقره از آیات وجود ندارد.

تقسیم‌بندی این فقره (آیه ۳۵ - ۳) به زیر بخش‌های مذکور با نقدهایی مواجه است:

آیه ۶ - ۳ و آیه ۱۵ - ۷ را باید دو دسته مجزا گرفت به دلیل اینکه بین این دو دسته هیچ ارتباط لفظی و ادبی وجود ندارد و از نظر مفهومی نیز دسته اول ریشه انگیزشی انکار معاد را مطرح کرده است و دسته دوم مشتمل بر انذار است؛ درحالی که سعید حوی آیه ۱۵ - ۳ را یک فراز دانسته است.

ایشان آیات پایانی فقره اول را به دو دسته ۲۵ - ۲۰ و ۳۵ - ۲۶ تقسیم کرده است که چندان

دقیق به نظر نمی‌رسد. به دلیل اینکه در این بخش از سوره مبارک قیامت چنانچه گذشت، آیه ۲۱ - ۲۰ دومین ریشه انگیزشی انکار قیامت را مطرح می‌کند و سه دسته آیات ۲۵ - ۲۲، ۳۰ - ۲۶ و ۳۵ - ۳۱ هر کدام به نوعی در راستای منع انسان از دنیادوستی و رها کردن آخرت ایفای نقش می‌کنند.

۲. غرض، جهت و سیر هدایتی سوره

حوی در مورد غرض و سیر هدایتی این سوره نیز می‌نویسد: در این سوره دو گمان باطل انسان در ارتباط با قیامت و نپذیرفتن تکلیف مطرح شده است؛ ۱. «أَيُّ حَسَبِ الْإِنْسَانِ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ...» ۲. «أَيُّ حَسَبِ الْإِنْسَانِ أَنْ يَتْرَكَ سُؤْيِهِ...» و هدف سوره رد این دو گمان است که با انکار قیامت و فرار از تکلیف ارتباط دارد. در وسط سوره نیز نکاتی در مورد کیفیت تلقی قرآن سخن به میان آمده و از مرگ کافر و اینکه چگونه بدون ایمان و نماز و با تکذیب و اعراض با خداوند ملاقات خواهد کرد. (حوی، ۱۴۲۴: ۱۱ / ۶۲۶۰)

ایشان در توضیح محورهای سوره قیامت می‌افزاید: آیات ابتدایی با قسم به روز قیامت و نفس لوامه شروع شده است تا در قالب مقدمه سوره، به مقصود و موضوع سوره اشاره داشته باشد (آیه ۲ - ۱). (همان: ۶۲۶۲)

در آیات بعد استفهامی مطرح شده است که از یک سو به مضمون جواب قسم دلالت می‌کند و از سوی دیگر از گمان انسان در مورد قیامت پرده برمی‌دارد که حاکی از جهل مخاطب نسبت به قدرت خدای متعالی است. (همان: ۶۲۶۵) خدای متعالی ضمن رد این گمان، دلیل واقعی این رویکرد انسان را بیان می‌کند و آن میل به فجور و بی‌بندوباری و فرار از تکلیف است و همین مسئله باعث شده است که وقوع روز قیامت را بعید بدانند و در ادامه به توصیف روز قیامت که کافران آن را تکذیب می‌کردند، می‌پردازد (همان: ۶۲۶۷) آیات سوره با خطاب به پیامبر اکرم ﷺ ادامه می‌یابد. این آیات در مورد کیفیت تلقی قرآن توضیحاتی ارائه کرده است (آیه ۱۹ - ۱۶). آیات بعد دلیل دوم انکار قیامت و فرار از تکلیف را بیان می‌کند (حب دنیا) (آیه ۲۲۱ - ۲۰) و در مقابل مجموعه اول که روز قیامت را توصیف می‌کرد، در بخش بعد، به غرض تشویق و تهییج مخاطبان برای انتخاب آخرت و دل‌کندن از دنیا، حال مؤمنان و کافران را در آن روز متذکر می‌شود. (آیه ۲۵ - ۲۰) بعد از آن، سوره لحظات احتضار و جان دادن کافر را به تصویر می‌کشد که لحظه انتقال از دنیا به عالم آخرت است و بدین وسیله انسان دنیاخواه فراری از تکلیف را با حقیقتی به نام مرگ موعظه می‌کند. (آیه ۳۵ - ۲۶) (همان: ۶۲۶۹)

سوره، بعد از رد گمان اول کافران، مبنی بر اینکه خداوند هرگز آنان را مبعوث نخواهد کرد، گمان دوم کافران (بیهوده رها کردن آنان) را مردود اعلام می‌کند. (همان: ۶۲۷۱)

به این ترتیب سوره قیامت با قسم به روز قیامت و نفس لوامه شروع می‌شود و با این دو قسم به موضوع سوره (تأکید بر وقوع روز قیامت و ضرورت متقی بودن نفس انسانی) اشاره می‌کند. از آنجایی که کافران به روز واپسین اعتقاد ندارند، سوره مبارک قیامت این اعتقاد را بایبان حقایقی به شرح زیر رد می‌کند: ۱. توجه دادن به قدرت خدای متعالی ۲. اعلام این حقیقت که آیات قرآنکه پیام معاد جزئی از آموزه‌های آن است، از جانب خداوند است ۳. اصلاح نگاه انسان نسبت به دنیا و آخرت با تذکر دادن به حقیقت مرگ ۴. رد این اعتقاد که انسان در مقابل خداوند مسئول نیست. (همان: ۶۲۷۳)

ایشان در تناسب آیه ۱۹ - ۱۶ با آیات قبل و بعد نیز می‌گویند: در مجموعه اول یکی از علت‌های فرار از تکلیف مطرح شده و در دسته سوم علت دیگر فرار از تکلیف بیان شده است و در این آیات از کتاب تکلیف صحبت شده است. از سوی دیگر در مجموعه اول آیات روز قیامت تفصیل داده شده و در مجموعه سوم حال اهل ایمان و اهل کفر در قیامت مطرح شده است و در این آیات که در وسط قرار گرفته از کتابی که علم و راه نجات و کرامت را نشان داده است، سخن گفته است. (همان: ۶۲۶۹)

بررسی

این تفسیر با اینکه تلاش‌های ارزشمندی در تفسیر منسجم سوره به کار بسته است و بخش زیادی از مسائل موجود در سوره قیامت را از نظر فهم منسجم پاسخ داده است؛ ولی در برخی موارد به ارتباط آیات و مجموعه‌های آیات اشاره نکرده است و در برخی موارد ارتباطات بیان شده با نقدهایی مواجه است که به اختصار اشاره می‌شود:

اولین نکته‌ای که در مورد فهم منسجم آیات در این سوره به چشم می‌خورد این است که ایشان به مناسبت و ارتباط بین آیه ۱۵ - ۷ با دسته قبل؛ آیه ۶ - ۳ اشاره نکرده است. در سطور قبل این ارتباط توضیح داده شد.

یکی از نکاتی که در بیانات مفسر برجسته شده است، بحث فرار از تکلیف از سوی انسان منکر معاد و مقابله سوره با آن است. هرچند فرار از تکلیف یکی از نتایج انکار معاد است؛ ولی در سوره اشاره مستقیمی به آن نشده است و آیه «أَيُّحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» که مورد استناد مفسر می‌باشد، درصدد اثبات ضرورت معاد است و ارتباط مستقیمی با فرار از تکلیف انسان ندارد.

سعید حوی به حکمت بیان آیه ۱۹ - ۱۶ اشاره کرده است؛ ولی در مورد اینکه چرا این آیات در بین آیات مربوط به معاد که شدت اتصال را به هم دارند، مطرح شده است، توضیحی نداده‌اند.

مفسر به ارتباط آیه ۲۱ - ۲۰ با آیه ۵ اشاره نکرده است. همان‌طور که گذشت، در آیه ۵ ولنکاری خواهی انسان و در آیه ۲۱ - ۲۰ حب دنیا و رها کردن آخرت به عنوان دو انگیزه انکار معاد

توسط مخاطبان سوره مطرح شده است. در ارتباط این دو دسته به نظر می‌رسد، آیه ۲۱ - ۲۰ نسبت به آیه ۵ ریشه‌ای‌تر هست و در واقع علت و لنگاری خواهی انسان هم همان حب دنیا است. سعید حوی در مورد آیه ۳۵ - ۲۶ می‌گوید: «این آیات با یادآوری مرگ و لحظات جان دادن مخاطبان را موعظه می‌کند» این بیان هرچند درست است؛ ولی باید جهت و چگونگی موعظه هم اشاره شود، به دلیل اینکه ارتباط این آیات با آیات قبلی با تبیین کیفیت موعظه، روشن‌تر می‌شود. آیه ۳۰ - ۲۶ ضمن انذار مخاطب با یادآوری مسئله مرگ و جان دادن، فانی بودن دنیایی را که مخاطب این سوره دلداده آن است و بر آخرت ترجیح داده است، تذکر می‌دهد. همچنین در آیه ۳۵ - ۳۱ حسرت کافر در آن لحظات سخت جان دادن، مطرح شده است که خود مانع دنیاخواهی و رها کردن آخرت خواهد شد.

ایشان در تبیین سیاق آخر، غرض آیه ۳۹ - ۳۷ را اثبات قدرت خداوند بر زنده کردن مردگان می‌داند. (حوی، ۱۴۲۴: ۱۱ / ۶۲۷۱) در این زمینه هرچند به نقل از مجاهد، شافعی و عبدالرحمن بن زید بن أسلم می‌نویسد: «المقصود هنا إثبات المعاد و الرد علي من أنكره...»؛ مقصود در اینجا اثبات معاد و رد منکران معاد است...؛ ولی در توضیحات خودشان این اثبات را به اثبات قدرت خداوند بر زنده کردن مردگان محدود می‌کند؛ درحالی که آیات «أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيَّ يَمِينِي...» (آیه ۳۹ - ۳۷) حد وسطی هست که هم برای اثبات ضرورت معاد در آیه ۳۶ و هم برای اثبات قدرت خداوند بر معاد در آیه ۴۰ استفاده شده است که به نظر می‌رسد سعید حوی از این مهم غفلت کرده است.

نتیجه

سوره قیامت از چهار سیاق تشکیل شده است.

سیاق اول آیه ۲ - ۱: این دو آیه طلبعه و مقدمه‌ای است که به تأثیرگذاری هرچه بیشتر محتوای سوره یاری می‌رساند.

سیاق دوم آیه ۱۵ - ۳ و ۳۵ - ۲۰ در این آیات مسئله انکار و استبعاد قیامت توسط انسان مطرح شده، در آیه ۶ - ۵ ریشه انگیزشی انکار انسان بیان شده است؛ یعنی مشکل اصلی منکران معاد شبهه در قدرت خدا نیست بلکه ریشه در نفسانیات آنها دارد. آیه ۱۵ - ۷ ضمن پاسخ‌گویی به این سؤال، با انذار متناسب به درمان عامل انگیزشی انکار قیامت نیز اقدام کرده است.

در آیه ۲۲ - ۲۱ که با «كُلًّا» شروع شده، انکار معاد مطرح شده در «يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ» رد شده و دنیاگرایی و رها کردن آخرت به‌عنوان ریشه دوم انکار معاد مطرح شده است.

در ادامه آیات برای حل این مانع انگیزشی پذیرش معاد سه‌گام برمی‌دارد. آیه ۲۵ - ۲۲ و ۳۰ - ۲۶ نگاه انسان را به دنیا و آخرت اصلاح می‌کند و از دنیاخواهی و آخرت‌گریزی بر حذر می‌دارد. آیه ۳۵ - ۳۱ در حقیقت تکمیل فراز قبلی و در راستای نهی انسان از برگزیدن دنیا است. سیاق چهارم آیه ۴۰ - ۳۶: در نهایت خدای متعالی بعد از رفع موانع انگیزشی پذیرش معاد، با رویکردی بینشی به اثبات ضرورت و امکان معاد می‌پردازد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حوی، سعید، ۱۴۲۴ق، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دار السلام، چ ۶.
- خامه‌گر، محمد، ۱۳۸۲، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، تهران، امیرکبیر.
- خامه‌گر، محمد، ۱۳۹۶، *اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خطیب، عبدالکریم، بی تا، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت، دار الفکر العربی.
- خیرالدین الزرکلی، ۱۹۸۹م، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بیروت، دار العلم للملایین، چ ۸.
- درویش، محیی‌الدین، ۱۴۱۵ق، *اعراب القرآن و بیانه*، ج ۱۰، سوریه، دار الارشاد، چ ۴.
- دعاس، حمیدان، قاسم، ۱۴۲۵ق، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق، دار المنیر و دار الفارابی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب / التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- صابونی، محمد علی، ۱۴۲۱ق، *صفوة التفاسیر*، بیروت، دار الفکر.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم، ۱۴۱۸ق، *الجدول فی اعراب القرآن*، بیروت، دار الرشید مؤسسة الإیمان، چ ۴.

- صالح، بهجت عبدالواحد، ۱۹۹۸ م، *الاعراب المفصل لكتاب الله المرتل*، جلد ۱۲، اردن، دار الفكر،

چ ۲.

- صبوحي، علی، ۱۳۹۴، *تدبر در قرآن کریم*، قم، مؤسسه تدبر در کلام وحی.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.

- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۸ق، *جامع البیان فی تأویل آی القرآن*، بیروت، دار الفکر.

- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت،

دار احیاء التراث العربی.

- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، چ ۲.

- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.

- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۴۲۱ق، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه امام

علی بن ابی طالب علیه السلام.

- نحاس، احمد بن محمد، ۱۴۲۱ق، *اعراب القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.

ب) مقاله‌ها

- چیت‌ساز، محمدتقی، ۱۳۸۶، «تفسیر سوره قیامت»، *آفاق نور*، ش ۶، ص ۲۸۶ - ۲۷۹، قم، مؤسسه

معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.

- خامه‌گر، محمد، ۱۳۹۸، «تفسیر ساختاری سوره بینه با تبیین قواعد روش تفسیر ساختاری

سوره‌های قرآن»، *مطالعات تفسیری*، ش ۳۷، ص ۱۷۳ - ۱۹۰، قم، دانشگاه معارف اسلامی.

- خامه‌گر، محمد، حسن نقی‌زاده و محمدعلی رضایی کرمانی، ۱۳۹۵، «اعتبارسنجی رهیافت‌های

کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۷۹، ص ۴ - ۲۵، مشهد، دفتر

تبلیغات اسلامی شعبه مشهد.